

گذشته و آینده ادبیات داستانی

مصاحبه‌ای با سوزان بایت

رمان‌نویس معاصر انگلیسی

ترجمه حسین پاینده

سوزان بایت^۱ نویسنده رمان‌های پرفروش تصاحب و جن در چشم بلبل است. وقایع داستان‌های او اغلب در دوره ویکتوریا^۲ رخ می‌دهند اما موضوع آن‌ها به دوره معاصر مربوط می‌شود. موضوعاتی که بایت در رمان‌های خود به آن‌ها می‌پردازد، گوناگون است و گستره وسیعی از اصلاح نژاد و آیین دینی تا عشق در دوره مدرن را دربر می‌گیرد. بایت سابقاً استاد ادبیات قرن نوزدهم در دانشگاه لندن بوده است و برخی از منتقدان ادبی، او را هم‌ردیف آدای بزرگی هم چون جرج الیوت، شارلوت برونته^۳ و هنرمندان پیشارافانلی^۴ دانسته‌اند. فرشتگان و سفالگان (فیلمی که فیلمنامه‌اش را بایت با همکاری یکی از دوستانش و با اقتباس از رمانی کوتاه نوشت) اخیراً برای نخستین بار در جشنواره فیلم کان به نمایش گذاشته شد. آنچه در زیر می‌خوانید، مصاحبه اخیر وی با خبرنگار مجله نیوزویک است.

فکر می‌کنید در فرهنگ معاصر که سلطه تکنولوژی روزبه روز در آن بیش تر می‌شود، داستان‌های تخیلی شما چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟
من عاشق فرهنگ تکنولوژیک هستم. اگر کسی گمان می‌کند که من دوست دارم کلاه‌های بنددار و دامن‌های نتردار بپوشم و زنی مطیع باشم و در یک خانه زیبا و باغچه‌دار انگلیسی با توکر و کلفت زندگی کنم و به جی ماشین سوار اسب بشوم، اشتباه فکر می‌کند. من سفر به دور دنیا با هواپیما را بسیار دوست دارم. کامپیوتر و واژه‌پردازم را بسیار دوست دارم، هرچند که رمان‌هایم را با قلم می‌نویسم. با این همه، تخیلم از تاریخ مایه می‌گیرد. من معتقدم که اگر بخواهید دنیای مدرن را بشناسید، اول باید خاستگاه آن را دریابید. گمان می‌کنم دنیای مدرن را از اغلب رمان‌نویسان جوان و مذکری که راجع به زندگی شهری و می‌فروشی‌ها داستان

می‌نویسند، بهتر می‌شناسم.

است. آدم اگر بداند که چنین اتفاقی در حال رخ دادن است، آن وقت رمانی که می‌نویسد متفاوت با رمانی خواهد بود که حاصل نشستن و فکرکردن به ماجراهای عاشقانه قرن نوزدهم است.

پس شما معتقدید برای تبیین وضعیت امروز، باید از گذشته مدد گرفت؟

همین طور است. مثلاً اگر ادبیات آمریکا را تدریس نکرده و تاریخ آن‌جا را نخوانده بودم، نمی‌توانستم از آن آگهی‌های فروش اسلحه که در تلویزیون تگزاس دیدم سر درآورم. دیدن آن آگهی‌ها ضربه روحی شدیدی بر پاره‌ای از وجودم وارد آورد. ممکن نیست در تلویزیون بریتانیا چنین آگهی‌ای ببینید که در آن با چنان شور و شغفی محسنات یک سلاح تبلیغ می‌شود. در آن آگهی‌ها زنان درشت‌اندام و فراخ‌سینه‌ای نشان داده می‌شدند که تفنگ‌های بزرگی را از گردن‌شان آویخته بودند و می‌گفتند: «از نمایشگاه سلاح و چاقو در تگزاس دیدن کنید.» اگر آثار فروید را نخوانده باشید، مفهوم این عمل زنان یادشده را در نمی‌یابید. به عبارتی می‌توان گفت خواندن بهترین کاری است که هرکس در طول عمرش می‌تواند انجام دهد. پس من هم در واقع همین کار را می‌کنم. من وضعیت موجود را موشکافانه مورد مشاهده قرار می‌دهم و بعد به گذشته می‌نگرم تا خاستگاه آن وضعیت را بیابم. اگر هم این وضعیت بی‌سابقه باشد، با نگاه به گذشته سعی می‌کنم علت جدید بودن آن را دریابم. وراثت‌شناسی از جمله علوم جدید است، گرچه داروین به پژوهش درباره توارث علاقه‌مند بود. هم‌چنین باید اعتراف کنم که از «فوق‌شاهراه اطلاعات»^۵ احساس هراس می‌کنم؟

آیا به نظر شما هنر واجد ارزشی ابدی است؟

من با این اعتقاد بزرگ شدم که عشق مهم‌تر از هنر و اصلاحات اجتماعی مهم‌تر از آفرینش آثار هنری است. کسانی که مرا تربیت کردند جزو فرقه «لرزدگان»^۶ بودند و نتیجتاً در بیست سال اول زندگی‌ام اعتقاد داشتم که اگر انسان واقعاً خوبی باشم باید به عبادت بیماران بروم و از علایق دنیوی چشم‌پوشم. حالا دیگر چنین اعتقادی ندارم. هنر را جزو ضروری اعمال انسان می‌دانم. همان‌قدر که ملاقات با زندانیان و مدد رساندن به آن‌ها، یا ساختن تانک و کشتی ضروری تلقی می‌شود. انسان‌ها همواره دست‌اندرکار آفرینش آثار هنری بوده‌اند و خواهند بود. اما اگر هنری که آفریده می‌شود راجع به لذت نباشد، بهتر است آفریننده آن یک روزنامه‌نگار خوب یا یک مددکار اجتماعی خوب بشود و به ملاقات و یاری‌رساندن به زندانیان بپردازد. اگر فقط هنرمندی سخت‌کوش هستید که با خود می‌اندیشد «رمانی خواهم نوشت تا باعث شود مردم از تولید بمب اتمی حمایت نکنند»، آن‌گاه بهتر است بروید وارد دنیای سیاست بشوید.

آیا ادبیات را [برای تأثیرگذاری در اذهان مردم]

قدرتمند می‌دانید؟

ادبیات را آن‌قدر قدرتمند می‌دانم که می‌تواند قوه درک انسان را اعتلا بخشد. ادبیات گه‌گاه از قدرت سیاسی عظیمی برخوردار است زیرا حال و هوای تخیل آدمی را دگرگون می‌کند. نمونه بارز آن، رمان کلبه عموتام است. ولی من فکر می‌کنم ادبیاتی که تعمد داشته باشد از قدرت برخوردار شود، غالباً ناکام می‌ماند. آنچه ادبیات

فکر می‌کنید علت هراسان چیست؟

از این می‌هراسم که فقط نوعی پرچونگی بی‌حاصل باشد. من از دنیایی که در آن شخصی فوق‌العاده باهوش می‌تواند تمام اطلاعات موجود در کامپیوترهای همگان را پاک کند، هراسانم. کامپیوتر هم دنیایی بدیع به وجود آورده و هم راه جدیدی برای نابودی این دنیا ایجاد کرده

می‌تواند و باید انجام دهد این است که آن کسانی را که به آدم‌هایی درس می‌دهند که کتاب نمی‌خوانند، متحول کند.

زبان را به کار می‌برند. اگر آنان واقعاً به زبان خوب بیندیشند، آن‌گاه به نوشتن هم نیاز دارند. از جنبه نظری، چندان فرق نمی‌کند که رمانی خوب را از روی دیسک کامپیوتر بخوانید و یا این‌که آن را در جیب‌تان حمل کنید.

در رمان‌های شما اکثر شخصیت‌ها در خانه‌های روستایی زندگی می‌کنند. زندگی این شخصیت‌ها را چگونه برای خوانندگان امروزی‌تان [که طرز زندگی‌کردن‌شان متفاوت است] ملموس و فهمیدنی می‌کنید؟

شخصیت‌هایی که در خانه‌های روستایی زندگی می‌کنند، در اذهان اغلب مردم جای دارند. مثلاً رمان بریادرفته را در نظر بگیرید. این رمان شخصیت‌هایی را که در خانه‌هایی اعیانی زندگی می‌کنند برای همهٔ جهانیان ملموس و فهمیدنی کرد.

پی‌نوشت‌ها:

آیندهٔ رمان را چگونه می‌بینید؟

در حال حاضر رمان در بریتانیا بسیار سرزنده و بانشاط است. دیگر پرزرق و برق و مملو از انواع کیش و آیین نیست. دیگر کسی نمی‌گوید که باید رمان‌های مدرن یا رمان‌هایی که وقایع آن در زمان‌ها و مکان‌های گذشته رخ می‌دهند بنویسید. دیگر کسی نمی‌گوید که باید رمان‌های بدعت‌گذارانه یا رمان‌های رئالیستی بنویسید. دوره و زمانهٔ عالی و پرجنب و جوشی را از سر می‌گذرانیم که هر چیزی در آن می‌شود نوشت.

آیا فکر می‌کنید روزی برسد که تحولات تکنولوژیک

دیگر جایی برای رمان‌نویسان و ادبیات باقی نگذارد؟

فکر نمی‌کنم تا زمانی که مردم از زبان استفاده می‌کنند، از خواندن رمان دست بردارند. البته بعید نیست که بیست سال دیگر معلوم شود که متأسفانه اشتباه می‌کرده‌ام. من اعتقاد دارم که داستان‌گویی به شیوه‌ای پیچیده، یکی از بنیانی‌ترین نیازهای بشر را ارضا می‌کند. همهٔ مردم از رنگ و بوم نقاشی استفاده نمی‌کنند، اما تمامی انسان‌ها

1. Susan Byatt

۲. دورهٔ ویکتوریا در تاریخ ادبیات انگلیسی، سال‌های سلطنت ملکه ویکتوریا از ۱۸۳۷ تا ۱۹۰۱ را شامل می‌شود که طی آن رمان‌نویسان بزرگی هم‌چون چارلز دیکنز، تاس هاردی، جرج الیوت، ویلیام تکیوی، جرج برناردش، آنتونی تریلپ و ساموئل جانسون آثار خود را عرضه داشتند. — م.

۳. Charlotte Brontë (۱۸۱۶-۱۸۵۵)، رمان‌نویس انگلیسی. — م.

۴. پیشارافائلی‌ها (Pre-Raphaelites) عنوانی است که به گروهی از نقاشان و شاعران انگلیسی در دورهٔ ویکتوریا اطلاق می‌شود. اینان با روی‌گردانی از سبک‌های متداول آکادمیک در نقاشی که مبتنی بر آثار یکی از نقاشان دورهٔ رنسانس به نام رافائل (۱۵۲۰-۱۸۴۳) بود، هوادار آن نوع سادگی و طبیعت‌گرایی بودند که در آثار هنرمندان پیش از رافائل به چشم می‌خورد. ویژگی‌های اشعار شاعران پیشارافائلی عبارت بودند از ترکیب عناصری از فیبل فرهنگ قرون وسطایی، حس‌گرایی و پایبندی به دین. — م.

۵. فوق‌شمارهٔ اطلاعات، (Information Superhighway) اصطلاحی است که برای اشاره به امکانات جدید تبادل اطلاعات به مدد شبکه‌های بین‌المللی کامپیوتری به کار می‌رود. — م.

۶. «لرزندگان» (Quakers) از جمله فرقه‌های مسیحیت است. پیروان این فرقه با جنگ و خشونت مخالف‌اند و مراسم عبادی خود را اغلب در سکوت کامل انجام می‌دهند. وجه تسمیهٔ «لرزندگان»، اعتقاد ایشان به «لرزه در برابر کلام خداوند» است. — م.